

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته: در آیه شریفه اعتداد «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» چهار احتمال می‌رود:

مماثلت در اصل اعتداء، مماثلت در معتدي به، مماثلت در مقدار اعتداء و مماثلت در کیفیت اعتداء. مرحوم نائینی و مرحوم ایروانی معتقدند که آیه شریفه دلالت بر مماثلت مقدار اعتداء دارد. پاره‌ای بر این عقیده بودند که از آیه شریفه مماثلت در معتدي به برداشت می‌شود. مرحوم اصفهانی می‌گوید که آیه شریفه اعم بوده و هر چهار مورد (مماثلت در اصل اعتداء، مماثلت در معتدي به، مماثلت در مقدار اعتداء و مماثلت در کیفیت اعتداء) را شامل می‌شود.

ادامه بحث: به نظر می‌رسد که در کلام مرحوم اصفهانی نوعی دوگانگی وجود دارد؛ ایشان از يك سو آیه شریفه را شامل هر چهار نوع مماثلت می‌داند و از سوي دیگر می‌گوید که مماثلت در اعتداء، مراد و مقصود نبوده بلکه جایز نمی‌باشد [1]. چرا که اولاً اگر اصل اعتداء مقصود آیه باشد نیازی به کلمه «مثل» نبود و عبارت «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ» آن را می‌رساند، ثانیاً لازمه‌ی چنین برداشتی این است که مماثل مواردی همچون اتلاف، اتلاف باشد یا مماثل دشنام، دشنام باشد، یا مماثل ضرب، ضرب باشد که چنین امری در شرع جایز نیست و اصلاً شارع مقدس چنین اراده‌ای ندارد.

نکته: به نظر می‌رسد که حتی اگر از آیه شریفه، مماثلت در معتدي به برداشت شود باز هم نمی‌تواند مستند دیدگاه مشهور (ضمان مثلي به مثل و قيمي به قيمت) باشد، زیرا در این صورت دلالت می‌کند که اگر چیزی از بین رفت و تلف شد باید مثل آن یعنی آن‌چه به حسب ظاهر، مثل تالف است پرداخت شود، خواه آن تالف، مثلي باشد و خواه قيمي. به دیگر سخن، آیه شریفه ظهور عرفی دارد در این که اگر مالی اعم از مثلي (مانند گندم) یا قيمي (مانند فرش) تلف شد، باید مثل آن پرداخت گردد. به نظر ما چنان که پیش از این گذشت آیه شریفه مماثلت در اعتداء و معتدي به را بیان نمی‌کند، بلکه دلالت بر مماثلت در مقدار اعتداء دارد، یعنی بیان می‌کند که معتدي عليه نباید بیشتر از آن مقداری که به او اعتداء شده تعدي نماید. شاهد سخن آن که نظیر این آیه شریفه، آیه «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ» [2] است که در شأن نزول آن آمده است پس از جنگ احد و مثله شدن حمزه عموی پیامبر (ص) بعد از شهادتش، مسلمانان گفتند اگر دست ما به کفار برسد زنده‌های آنها را هم مثله می‌کنیم، یعنی قصد داشتند مرتبه‌ای بالاتر (مثله کردن کفار زنده) از آن‌چه کفار انجام داده بودند، انجام دهند ولیکن آیه نازل شد و از آن‌ها خواست که زیاده‌تر از آن انجام ندهند. مرحوم طبرسی نیز معنای آیه را چنین بیان کرده است: «فَإِنْ أُرِدْتُمْ مَعَاقِبَةَ غَيْرِكُمْ عَلَيَّ وَجْهَ الْمَجَازَةِ وَ الْمَكَافَاةِ فَعَاقِبُوا بِقَدْرِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَا تَزِيدُوا عَلَيْهِ» [3] که با توجه به کلمه «قدر» و عبارت «وَلَا تَزِيدُوا عَلَيْهِ» معلوم می‌شود که ایشان مماثلت در مقدار را برداشت کرده است، بنابراین تردیدی نیست که آیه اعتداء، ظهور در مماثلت در مقدار اعتداء دارد و با توجه به روایتی که در ذیل آمده و بیان کرده که مجازات سرقت یا قتل در حرم، باید در همان حرم اجرا شود [4]، مماثلت در کیفیت اعتداء را هم باید به مماثلت در مقدار اعتداء ضمیمه نمود.

مرحوم اصفهانی مماثلت را چهار نوع دانسته است: 1 - مماثلت مطلق و از همه جهات: یعنی مماثلت در ذات، صفات و مالیت. به عنوان مثال اگر فرش تلف شده باشد به جای آن، فرشی همانند آن از نظر نخ، بافت، نقشه ظاهری و ارزش مالی پرداخت

گردد. 2 - مماثلت از حیث ذات و صفات: مثل این که ضامن، فرشی را بدهد که از لحاظ نخ، بافت، نقشه ظاهری همانند فرش تلف شده باشد هر چند ارزش مالی در بازار نداشته باشد. 3 - مماثلت از حیث مالیت: مثل این که ضامن، پول فرش را بدهد. 4 - مطلق مماثلت: یعنی هر یک از سه نوع مماثلت فوق باشد، کافی است [5]. مرحوم اصفهانی می‌گوید که مماثلت عرفی همان مماثلت دوم یعنی مماثلت از حیث ذات و صفات است و اگر چه اغراض عقلا (بدون در نظر گرفتن آیه شریفه) در باب اموال به حیثیت مالی (ارزش مالی) تعلق می‌گیرد، یعنی مماثلت از حیث مالیت را در نظر می‌گیرند، لیکن در مقام استظهار از آیه مماثلت عرفی معتبر است. بنابراین ایشان آیه شریفه را اظهر در مماثلت به معنای دوم (مماثلت در ذات و صفات) می‌داند، به خلاف مرحوم شیخ انصاری که مماثلت عرفی را مماثلت اول یعنی مماثلت از حیث ذات، صفات و قیمت می‌داند [6]. مرحوم اصفهانی در ادامه می‌گوید که لازمه این که از آیه شریفه، مماثلت در ذات و صفات برداشت شود این است که معتدی، مثل مال تلف شده را بدهد، هر چند از مالیت و ارزش افتاده باشد و لیکن از آن جا که آیه شریفه در مقام تضمین و تغریم است و قصد دارد که مالی به جای مال تلف شده به معتدی علیه برسد، معتدی باید در صورتی که مثل مال تلف شده از ارزش افتاده است علاوه بر مثل، ارزش آن مال هم بپردازد. به عنوان مثال اگر فرشی تلف شود و بعد از یک سال مثل همان فرش (از جهت ذات و صفات) در حالی که ارزش مالی ندارد پرداخت شود، ذمه بری نمی‌شود مگر این که قیمت هم پرداخت گردد. نتیجه این که طبق دیدگاه مرحوم شیخ انصاری که مماثلت در آیه شریفه را مماثلت مطلق می‌داند، هم مماثلت در ذات و صفات و هم مماثلت در قیمت از کلمه «مثل» در آیه برداشت می‌شود و لیکن طبق دیدگاه مرحوم اصفهانی، مماثلت در ذات و صفات از کلمه «مثل» و مماثلت در قیمت از این که آیه شریفه در مقام تضمین و تغریم است، برداشت می‌شود.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1]. «وبناء علي الاول لا دلالة للآية الاعلي المماثلة في الاعتداء وهي غير مرادة هنا بل غير جائزة هنا إذ مماثل اتلاف المال هو الإتلاف كمماثلة الضرب للضرب» محمد حسين الاصفهاني، حاشية كتاب المكاسب، ج 1، ص 363.

[2]. نحل (16): 126.

[3]. همان.

[4]. پیش از این، روایت و توضیح آن بیان شد. ر.ک: ص 5.

[5]. محمد حسين الاصفهاني، حاشية المكاسب، ج 1، ص 364.

[6]. كتاب المكاسب، ج 3، ص 218.